

بررسی تاثیر وجوه فرهنگی معماری روستائی در ساخت و سازهای مسکونی روستای داراب کلا واقع در شهرستان میاندروود استان مازندران

پانید داراب کلائی: دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی قائمشهر

p.darabkolaie@yahoo.com

بهنام رجبی فر: عضو هیئت علمی، دکتری پژوهش و هنر، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی قائمشهر

چکیده:

روستا و معماری روستا که نقطه عطفی در چگونگی ساخت مسکن بعد از سپری شدن زندگی انسان اولیه سر آغاز زندگی مدرن امروز است می تواند راه گشای شناخت درونیات وجودی انسان و واقعیت نیاز خویشتن با پرده برداری از تجملات و زیاده خواهی ها و پیرایش های ظاهری دنیای کنونی باشد. اهم این واقعیت در بررسی و کنکاش در نحوه زندگی مردمان و مبانی اعتقادی و فرهنگی ایشان و تأثیر عوامل دیگر از جمله عوامل فردی و اجتماعی در محیط زندگی حاصل می شود. در راستای رسیدن به این مهم سوالاتی در این باب که چه ارتباطی میان فرهنگ و معماری این روستا در درک عمیق مشکلات مسکن روستایی وجود دارد و چگونه می توان معماری متعالی توأم با آرامش برای اهالی روستا طبق شرایط و نیازها و انتظارات سازگار با زمان و مکان فراهم نمود و تأثیر عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی در افزایش مشارکت و استقبال روستائیان در معماری متناسب با روستا چطور خواهد بود، ذهن انسان را دچار چالش می کند. هدف از مقاله پیش رو، از آنجائی که دیگر در شهرها بلکه در روستاها نیز فقط ساختمان ساخته می شود و نه اهداف و نه ابعاد خانواده و نیازهای آن و به مسائل دیگر معماری اندیشه ای نمی شود، شناخت و بررسی وجوه فرهنگی مؤثر بر چگونگی معماری روستائی این روستای شناخته شده با جمعیت بیش از ۵۰۰۰ نفر در حومه مرکز استان که می تواند در پیشرفت معماری مسکن آیندگان تأثیرگذار افتد، ضروری به نظر می رسد. طبق تحقیقات به عمل آمده در انواع خانه های این روستا چند نمونه به عنوان الگو به لحاظ طراحی معماری مورد بررسی قرار گرفت که وجوه فرهنگی آن ها چطور در آثار وجود آمده و در معماری درونشان اثر گذار است. در راستای دستیابی به درک عمیق معماری مسکن این روستا و راه و روش منطقی آنان و بررسی اثرات فرهنگی جهت هرچه بهتر شدن مسکن جدید با توجه به اصول معماری با استفاده از مشاهدات دقیق، اطلاعات کتابخانه ای و تحقیقات میدانی و صحبت با مسئولین روستا از مدل مقایسه ای- تحلیلی مؤلفه ها برای معماری صحیح استفاده شده است.

کلید واژه ها: مسکن، روستای داراب کلا، فرهنگ و معماری، ساخت و سازهای روستایی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

جوامع روستائی کشور در سال‌های اخیر مشکلات عدیده‌ای را به دوش کشیده‌است، از فقدان نیروی انسانی متخصص در ساخت و سازهای روستائی که یکی از عواملی است که می‌تواند در طراحی مناسب منازل روستائی کارساز افتد تا مسائل مهم تر از جمله عدم خط مشی مناسب، نبود برنامه‌ها و سیاست‌های درست هدف گذاری شده در خصوص زمین و مسکن و توجه نکردن به عوامل مؤثر معماری و اندیشه درست به آینده، مشکلات را بیش از پیش دشوارتر نموده است. مسکن روستائی با توجه به شرایط زندگی روستائی ویژگی‌هایی را داراست که وجوه تمایز با مسکن شهری ایجاد می‌کند. این معماری دارای ارزش‌های پنهانی است که نباید نادیده انگاشته شود. معمولاً عوامل فرهنگی بخشی از عوامل پنهانی است که تأثیر مستقیم بر نحوه برخورد با یک اثر معماری می‌گذارد.

دقت در این عوامل در اجزای معماری روستائی آنچنان مهم به نظر می‌رسد که تحلیل و درک درست از آن‌ها توسط طراح شرط لازم برای مداخله صحیح در آن است. به این خاطر دانایی و شناخت و درک فرایند تغییرات در ریشه‌های پنهان معماری مسکن روستائی که در گذر زمان اتفاق می‌افتد و در پاسخ به نیازهای امروزی مسکن روستائی اثرگذاری مستقیمی دارد، باید در بررسی به تاریخ و گذشته آن توجه و آفری نمود و با تطابق شرایط و نیازها به طراحی درست پرداخت. از میان عوامل اثرگذاری که شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیط زیستی و کالبدی که هر کدام در جایگاه خود بسیار مهم می‌نمایند، نقش فرهنگ و عوامل مربوط به آن به عنوان قسم مهمی از وجوه به شمار می‌رود.

فرضیه

- ۱- چه ارتباطی میان فرهنگ و معماری این روستا در درک عمیق مشکلات مسکن روستائی وجود دارد؟
- ۲- چگونه می‌توان معماری متعالی توأم با آرامش برای اهالی روستا طبق شرایط و نیازها و انتظارات سازگار با زمان و مکان فراهم نمود؟
- ۳- در گرایش به ساخت و ساز مسکن جدید در طی روند شکل‌گیری، تأثیر فرهنگی در افزایش مشارکت و استقبال روستائیان در معماری متناسب با روستا چطور خواهد بود؟

روش تحقیق

این پژوهش در نظر دارد که با در نظر گرفتن لزوم تصمیم‌گیری توسط معمار در طرح مسکن روستائی، مجموعه عوامل فرهنگی مؤثر در طرح مسکن روستائی و بازتاب تأثیر این عوامل در نوع معماری روستا را تحت عنوان تأثیر وجوه فرهنگی معماری روستائی در ساخت و سازهای مسکونی روستای داراب‌کلا مورد بررسی قرار داده و با جمع بندی اطلاعات و پیشینه تحقیق و همچنین تکمیل آن مجموعه نسبتاً خوبی از این عوامل فرهنگی مؤثر بر طراحی مسکن این روستا را شناسایی کند. برای این منظور با توجه به مهم بودن آن در ساخت و سازهای مسکن روستائی با راهکار بررسی موضوع مبتنی بر روش مشاهده‌ای-تحلیلی، تحقیقاتی و جمع‌آوری اسناد به آن پرداخته خواهد شد.

پیشینه موضوع

امروزه مسکن روستائی، نه تنها رنگ و بوی تاریخ، اقتصاد و جغرافیا را به خود گرفته؛ بلکه فنآوری و تفکر خلاق انسان، توأم با هنر و معماری که در آن اعتقادات، زیبایی شناسی و فرهنگ را در هم آمیخته، به نمایش گذارده‌است که نیازمند شناسایی هستند و جلوگیری از فراموشی آنها امری ضروری است. در بحث کلان، مطالعات متعددی صورت گرفته است؛ از این میان می‌توان به کتاب «درآمدی به شناخت روستا» نوشته‌ی اکبر حاجی ابراهیمی مزرگر (۱۳۷۶) اشاره کرد که در آن ضمن بیان تعاریفی از روستا، به علل شکل‌گیری روستاها پرداخته و بناهای سبک و سنگین روستائی را در مناطق مختلف کشور، به صورت کلی مطرح نموده‌است. همچنین، وحید قبادیان (۱۳۷۷) در کتاب «بررسی ابنیه سنتی ایران»، ضمن معرفی بناهای بومی در اقلیمهای مختلف کشور، عوامل و عناصر شکل دهنده به این بناها را بررسی و معرفی نموده‌است.

در مقاله‌ی «شاخصهای معماری مسکن روستائی در ایران» نوشته‌ی محسن سرتیپی پور (۱۳۸۴)، ضمن بیان تعریف و تدوین شاخص‌های مسکن روستائی و شناخت عناصر، کمیت‌ها و کیفیت‌های فضایی آن؛ تفاوت‌های موجود در نیازهای کمی و کیفی مسکن در مناطق مختلف کشور نیز نشان داده شده و بر ضرورت پرهیز از برنامه‌ها و اقدامات یکسان و مشابه در مناطق روستائی، تأکید شده‌است تا بستر لازم برای تصمیم‌گیری‌های متناسب با قوتها و ضعف‌های مسکن در پهنه‌های مختلف کشور، فراهم شود (عزیزالله مهدیان و محسن سرتیپی پور، ۱۳۹۱). در مقاله‌ی «مروری بر تحولات بهسازی مسکن روستائی و چشم انداز آتی»، به بیان تاریخی روستاها و معماری بومی در چهار پهنه اقلیمی ایران، پرداخته‌اند؛ در ادامه نیز به بهسازی و بازسازی‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر در بافت و بناهای روستاهای کشور، اشاره کرده و آنها را از لحاظ فنی، آموزشی و... مورد سنجش قرار داده‌اند.

بیشتر نواحی روستائی در سراسر جهان دارای مشخصاتی شبیه به هم هستند که در این بین ویژگی‌هایی چون توزیع فضایی جمعیت، فعالیت‌های کشاورزی، استفاده از منابع محلی، تماس‌های چهره به چهره، فرهنگ‌ها، سنتها، آداب و رسوم و غیره در خور توجه است (ISRDS.2000.31). اما در سطح ملی و به خصوص در مناطق روستائی، اهمیت فرهنگ در دو جنبه خلاصه می‌شود، نخست جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت جامعه دارد و دیگری نقشی که فرهنگ در پیشرفت جوامع ایفا میکند (مظاهری، کاوسی، موسوی، ۱۳۸۸، ۸). چنین به نظر می‌رسد که با وجود و مشاهده عوامل مختلف فرهنگی پنهان در روستاها و تأثیرات آنها در چگونگی روند ساخت و سازهای مسکن روستائی شاید بتوان با اطلاع رسانی و ایجاد انگیزه نقش پررنگ‌تری را در این زمینه ایجاد کرده و مفید به فایده عمل شود.

چه ارتباطی بین نحوه‌ی نگرش مردم این روستا به ضوابط طراحی در توسعه ساخت و ساز مسکن روستائی آن وجود دارد؟
 چه مسائل و مشکلاتی بر سر راه در اجرای ضوابط و اصول طراحی روستاها با توجه به نمونه موردی در ساخت و سازهای جدید وجود دارد؟
 در گرایش به ساخت و ساز مسکن جدید در طی روند شکل‌گیری کدامیک از عوامل فردی یا اجتماعی در اجرا نشدن ضوابط طراحی تاثیر گذارترند؟

مبانی نظری

مسکن از لحاظ طراحی روستائی

مسکن

مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را در بر می‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای بهتر زیستن خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است در واقع تعریف و مفهوم عام مسکن یک واحد مسکونی نیست، بلکه کل محیط را شامل می‌گردد (مخبر، ۱۳۶۳: ۱۷).
 به عبارت دیگر مسکن چیزی بیش از یک سر پناه صرفاً فیزیکی است و کلیه فیزیکی است و کلیه خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای بهزیستن انسان را شامل می‌شود و باید حق نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده‌کنندگان آن فراهم باشد (کناب، ۱۹۸۲: ۳۵).

مسکن به مثابه واحد تسهیلات فیزیکی یا به عنوان کالایی اقتصادی و پرودام است که نقش اجتماعی یا جمعی نیز دارد (برن، ۱۹۸۱: ۱۴). و افزون بر این‌ها مشتمل بر رفع نیازهای مالی، به عنوان نمایش مقام و وضعیت اقتصادی-اجتماعی افراد نیز هست (ترور و کتر، ۱۹۸۹: ۳۸). مسکن در عین حال عامل اصلی جامعه‌پذیری افراد نسبت به جهان و کالایی عمده و تعیین کننده در سازمان اجتماعی فضا است که در شکل‌گیری هویت فردی، روابط اجتماعی و اهداف جمعی افراد نقش بسیار تعیین کننده‌ای دارد (شرت، ۱۹۹۰: ۲۰۰۶).

روستا

روستا، در فرهنگ معین معادل «روستاک» در زبان پهلوی و عرب آن رستاق، روستاق، رسداق و یا رزداق است و هم معنا «ده» و «قریه» دانسته شده است؛ و «ده»، آبادی کوچک در خارج شهر، را گویند (معین، ۱۳۷۵: ذیل روستا). همچنین «به روستا به عنوان یک مجتمع زیستی و سکونت گاهی نگریسته می‌شود و غریزه اجتماعی زیستن، با توجه به سطح فرهنگ و برخورداری از دانش فنی، در نقاط مختلف جهان به صورتهای گوناگون، تجلی می‌یابد» (سعیدی، ۱۳۸۹: ۳). که روستا، نوعی از آن محسوب می‌شود. «جوامع روستایی، در تعاریف سنتی؛ بر اساس عرصه‌های مالکیت زمین، تعریف شده‌اند» (م. فروتوس، ۱۹۹۹: ۱۹۵).
 انسان‌ها، پیش از تأسیس دهکده‌های اولیه، در غارها و پناهگاه‌های روباز، زندگی می‌کردند که به دلایل مختلف و از همه مهم‌تر نبود امنیت، امکان فرو رفتن به خواب عمیق در آنها وجود نداشت. بین ۱۰ تا ۱۲ هزار سال قبل، برخی جوامع شکارگر گردآورنده‌ی غذا، در خاور نزدیک، به احداث دهکده‌های اولیه پرداختند. «بر اساس شواهد موجود، نخستین شکل‌های استقرار در دشت‌ها که مقدمه‌ی زندگی روستائینی بود، تقریباً از حدود هجده هزار سال قبل، در دره‌ی لوانت در شرق مدیترانه، شکل گرفت» (علیزاده، ۲۰۰۶: ۵۴). بنا به اعتقاد باستان‌شناسان، ممکن است زندگی روستائینی، از مناطق غربی ایران یا شمال عراق شروع شده باشد؛ به این دلیل مطالعات باستان‌شناسی و حفاری‌های مدرن در این مناطق کمتر صورت گرفته است» (بار، ۱۹۹۸: ۱۱۴).

«سکونت‌گاه‌های روستایی به عنوان پدیده‌های جغرافیایی، نمود فضایی و عینی عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هستند که در بستر طبیعت و در چارچوب مناسبات انسان و محیط در گذر زمان، شکل گرفته‌اند؛ به عبارت دیگر، واحدهای سکون‌تگاهی روستایی در ایران، به تبعیت از تنوع ناحیه‌ای و منطقه‌ای عوامل محیط طبیعی-اکولوژیک از یک سو و درجه‌ی تأثیرگذاری متفاوت نیروها و عوامل سیاسی و اجتماعی اقتصادی از دیگر سو، به نحوی متنوع و با تفاوت‌های ناحیه‌ای و منطق‌های برپا شده و در گذر زمان شکل امروزی خود را یافته‌اند» (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۵).
 «در روستاهای ایران، ابتدا وضع جغرافیایی؛ یعنی اوضاع بوم‌شناختی منطقه؛ سپس عوامل تولید و امور فرهنگی، در خانه‌سازی و شکل‌بندی فضاهای روستایی، اثرگذار می‌باشد» (خسروی، ۱۳۷۲: ۶۴). «روستاییان با بهره‌برداری هوشمندانه از مصالح و منابع طبیعی در دسترس، متناسب با شرایط شغلی و معیشتی، در راستای برآوردن نیازمندی‌های سکونتی و کارکردی خود، اقدام به ساخت و بنای مسکن نموده‌اند.» (قره‌نژاد، ۱۳۸۱، ۳۱۸).

معماری روستایی:

معماری، حاصل تفکر و روح بشر است. محتوای فکری و روحی انسان طراح و سازنده، در آن نمایان است. انسان روستایی، معماری را با آگاهی نسبت به محیط طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و با بصیرت، نسبت به هستی و طبیعت طراحی می‌کند و می‌سازد. او، تولیدکننده، فعال و هنرمندی به تمام معنا است، هنر شغل او نیست؛ بلکه از لحاظ وجودی هنرمند است؛ یعنی هنرمندانه فکر می‌کند. ابزار کار (تولید) را هنرمندانه می‌سازد و خانه‌اش را هنرمندانه بنا می‌کند.
 «هماهنگی در اجزا و با طبیعت و محیط پیرامون، از رمزهای معماری روستایی، به شمار می‌آید. روستا چه در کویر باشد، چه در کوهستان و چه در جنگل؛ همواره با محیط خود، سازگار است. امکان ندارد، روستایی چیزی را بسازد که با بستر خود، متضاد باشد یا با طبیعت مکان و موقعیت خود مقابله کند. هماهنگی معماری روستا، منبعث از هماهنگی درونی طبیعت است. کپی از ارزشهای معنوی طبیعت، واجد بودن آن از یک نظام هماهنگ است. این هماهنگی به صورت حیرت‌انگیزی همچون موسیقی بر همه‌ی عوالم طبیعت، حاکم است» (نصر، ۱۳۸۵، ۱۵۴)

سادگی از دیگر رمزهای معماری روستایی است. معماری روستا با خانه آغاز می‌شود و با خانه به آخر می‌رسد. معماری خانه‌ی روستایی، ساده و بسیار آرام است؛ اما در کمال بی‌پیرایگی، بسیار پیچیده است. «پیچیدگی معماری روستایی متظاهر نیست؛ بلکه آنچه که تظاهر می‌کند، سادگی و آرامش است. سادگی در چهره‌های گلین، هم‌رنگ و فارغ از تضاد؛ اما چشم نواز است. سادگی معماری روستایی، بصری است؛ اما پیچیدگی آن بصیرتی است» (اکرمی، ۱۳۸۹: ۲۷). این شیوه، «به گونه‌ای است که به راحتی خود را در شرایط ویژه محیطی، همساز می‌کند» (رکن الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۷). «این بناها در نگاه اول ساده و ابتدایی به نظر می‌رسند؛ ولی در واقع، توسط مردمی ساخته شده‌اند که همه هوش و ظرفیتشان را به کار گرفته و از تمامی روابط موجود بین خودشان، در ساختن آنها استفاده کرده‌اند» (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

معماری روستایی در ایران، به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی، فعالیت‌های مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموع‌های همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می‌دهد که تجلی‌کننده ارتباطات و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست. «این هویت، از نفس سکونت و شیوه‌ی زیست در روستا نشأت می‌گیرد. به همین دلیل، مسکن در روستاها، علاوه بر پاسخ‌گویی به نیاز سکونت و تأمین امنیت و حریم خانوار، حلقه‌ای از نظام تولیدی روستا را نیز در برمی‌گیرد و به گونه‌ای متقابل با آن، پیوند می‌خورد. گونه‌های موجود مسکن روستایی صادق بارز این ویژگی محسوب می‌شوند» (سرتیپ پیور، ۱۳۸۴: ۴۴).

تعریف فرهنگ

واژه «culture» یا همان فرهنگ که از زبان کلاسیک لاتین ریشه می‌گیرد، نخست در آلمان به کار برده شده؛ اما نه به معنای امروزی، بلکه به معنای کشت و کار و بهسازی است. در واقع یکی از عوامل اساسی که باعث پیدایش مفهوم تازه‌ای برای فرهنگ شد، پدید آمدن مفهوم پیشرفت در تاریخ بود. در دوره رنسانس برخلاف دوره‌های پیش این احساس در افراد به وجود آمد که انسان ناخواسته به چیزهای بزرگ و تازه‌ایی دست یافته و پیشرفت زیادی کرده و علت آن هم خردورزی و همه‌گیر شدن روشن‌اندیشی بود (شمس، امینی، ۱۳۸۸: ۸۳).

رالف لینتون؛ فرهنگ را ترکیبی از رفتار اکتسابی می‌داند که به وسیله اعضای جامعه معینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و میان افراد مشترک است (خاکپور، شیخ، مهدی، ۱۳۹۰: ۲۳۰). همچنین شاین فرهنگ را در سه سطح مختلف تعریف می‌کند: مظاهر فرهنگ که شامل تمام پدیده‌هایی که قابل دیدن، شنیدن و لمس کردن هستند و البته کشف مفهوم آنها بسیار دشوار است. سطح ارزش‌های حمایتی، هنجارها و قواعد رفتاری (که نشان‌دهنده اولویت‌ها یا چیزهایی هستند که باید انجام شوند). مفروض‌های اساسی که شامل عقاید درست فرض شده و غیرقابل مجادله، ادراک‌ها، افکار و احساسها هستند و منبع نهایی ارزش‌های عملی به شمار می‌روند (موحدی، ۱۳۸۵: ۳).

فرهنگ عمومی

فرهنگ عمومی، مفاهیم و دستاوردهای فرهنگی در قالب‌های مختلف و از طریق نرم افزارها و ابزارهای گوناگون به جامعه عرضه می‌گردد. این مفاهیم برحوزه تمایلات، اندیشه‌ها و رفتارها تأثیر م‌گذارند و می‌توانید آنها را در جهت تکامل و یا تنازل توسعه دهند مراکز و افرادی که عهده‌دار انجام فعالی‌های فرهنگی هستند مانند: صدا و سیما، رسانه‌های مطبوعاتی و اطلاعاتی، نویسندگان، مبلغان دینی و غیره در این گروه جای دارند (ناظمی اردکانی، کشاورز، ۱۳۸۵: ۶).

عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر در شکل‌بخشیدن به معماری مسکن روستائی

از آنجائی که معماری پدیده انسانی است به ناچار از اجتماع تأثیر می‌پذیرد. مذهب، سنت، اعتقادات، مسائل امنیتی و به طور کلی بین افراد در معماری هر منطقه مؤثر است. عامل دیگری که در تعیین مشخصات خانه‌های روستائی نقش مؤثری دارد، بعد خانوار می‌باشد. مسکن اقوام مختلف از نظر شکل، ابعاد، نحوه استفاده از مصالح ساختمانی و کاربرد آن با یکدیگر متفاوت است. هر قومی با توجه به ویژگی‌های فرهنگی - معیشتی خاص خود به شیوه خاصی محل زندگی خویش را می‌سازد (پاپلی یزدی، ۱۳۷۶: ۲۷). مسکن روستائی از نظر معماری ساده و همگن است، به عبارتی معماری ساختمان، شکل، فرم، نحوه آرایش داخلی فضا و کاربرد آن با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی محل همگن و سازگار می‌باشد (همان، ۳۲). محتوای فکری و روحی انسان روستائی در معماری روستائی نمایان است. امکان ندارد روستائی چیزی بسازد که با بستر محیط خود متضاد باشد و یا با طبیعت مکان و موقعیت‌اش مقابله کند، همامنگی و همگنی معماری بومی روستائی همه در ظاهر نمایان است و هم در باطن (اکرمی، ۱۳۸۹: ۳۷).

ضوابط و مقررات ساخت و ساز در روستاها به طور کلی

نگاهی به ضوابط و مقررات ساخت و ساز در روستاها تا قبل از تصویب آیین‌نامه مربوط به استفاده از اراضی و احداث بنا و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرهای مصوب ۲۲/۲/۱۳۵۵ هیات وزیران، ساخت و ساز در روستا و خارج از حریم شهرها فاقد ضابطه و مقررات خاص بود. با تصویب آیین‌نامه مذکور، استانداران براساس ماده ۶ آیین‌نامه، مرجع صدور پروانه ساختمان در خارج از حریم شهرها تعیین گردیدند. علی‌رغم این تمهید تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و حتی تا سالها بعد از آن در بیشتر نقاط روستایی ساخت و ساز، بدون کسب مجوز از نهادهای قانونی و طبق عرف محل صورت می‌گرفت، با تحولاتی که در چند دهه اخیر در امر ساختمان سازی ظهور پیدا کرد و معاملات مسکن به یک بخش عمده در اقتصاد کشور تبدیل گردید؛ روستاها به ویژه روستاهای نزدیک به شهرهای بزرگ نیز از این تحول متأثر شده و ساخت و ساز در آنها مورد توجه قرار گرفت (سازمان مسکن، ۱۳۸۵).

از این رو مسوولین امر جهت ضابطه‌مند کردن ساخت و ساز روستایی از خود واکنش نشان داده، به طوری که با الحاق یک بند و سه تبصره به ماده ۹۹ قانون شهرداری‌ها در ۱/۱۲/۱۳۷۲، کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت کشور، مسکن و شهرسازی و قوه قضائیه مسوولیت رسیدگی به تخلفات ساختمانی بدون مجوز را عهده‌دار گردیدند، از این به بعد تقریباً متقاضیان احداث بنا به گرفتن پروانه در روستاها و خارج از حریم شهرها مجاب شدند، با اصلاح قانون شوراها در سال ۱۳۸۲ و اضافه‌شدن بند ۱۰ به ماده ۶۹ قانون شوراهای اسلامی، تشکیل پرونده برای ایجاد بناها، تاسیسات و تفکیک اراضی در محدوده قانونی روستا به عهده دهیاری و صدور مجوز به بخشداری واگذار گردید (سازمان مسکن، ۱۳۸۵).

علی‌رغم اجرای این بند که ناهماهنگی‌های نظیر مشخص نبودن مرجع وصول عوارض و چگونگی نظارت فنی و ... روبرو بود، ساخت و ساز به سمت و سوی نظام‌مند و قانون‌مند در حال پیشرفت بود که با اصلاح مجدد قانون در سال ۱۳۸۶ بند دیگری تحت عنوان بند ۱۱ به ماده ۶۹ قانون مذکور اضافه و براساس آن مسوولیت تشکیل پرونده و صدور پروانه ساختمان پس از هماهنگی با بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و اخذ نظرات فنی نهاد مذکور به عهده دهیاری محول گردید (دهیاری، مصاحبه).

ضوابط مربوط به نحوه ساخت و ساز در روستا:

هر گونه ساخت و ساز صرفاً در داخل محدوده طرح هادی مصوب طبق ضوابط و مقررات مندرج در بند ۱۰ مجاز بوده و ساخت و ساز در خارج از محدوده طرح هادی ممنوع می‌باشد. تمامی ساکنین روستا، کلیه دستگاه‌های اجرایی دولتی و غیر دولتی و همه دست‌اندرکاران عمران روستایی، قبل از شروع ساخت و ساز و هر گونه عملیات ساختمانی در داخل محدوده طرح هادی می‌بایست با هماهنگی دهیاری و در صورت فقدان دهیاری، اعضاء شورای اسلامی طی تقاضای کتبی و ارائه مدارک مورد نیاز از مرجع ذیربط پروانه ساختمانی یا شناسنامه ساختمان را اخذ نمایند. در تمامی ساخت و سازها و کلیه عملیات ساختمانی در داخل محدوده مصوب طرح هادی رعایت مفاد پروانه ساختمانی صادره توسط کلیه سازندگان، ساکنین، تمامی دستگاه‌های اجرایی و دیگر دست‌اندرکاران عمران روستایی الزامی می‌باشد (سازمان مسکن، ۱۳۸۵).

دهیاری و در صورت فقدان دهیاری، اعضاء شوراهای اسلامی روستا از هر گونه ساخت و ساز غیر مجاز و بدون پروانه ساختمان در داخل محدوده مصوب طرح هادی جلوگیری نموده و سازنده و متقاضی را راهنمایی و برای اخذ پروانه ساختمانی به مرجع ذیربط معرفی نمایند. و در صورت عدم توقف عملیات ساختمانی غیر مجاز، موضوع در اسرع زمان ممکن دهیار و یا شورا و بخشداری مربوطه برای اقدام قانونی به صورت کتبی به مرجع ذیربط گزارش می‌گردد. اداره ثبت و اسناد شهرستان مکلف است قبل از صدور سند مالکیت برای اراضی و مستحدثات داخل محدوده طرح هادی مصوب، موضوع را کتباً از بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان استعلام نموده و در صورت اعلام بنیاد مسکن مبنی بر بلا مانع بودن صدور سند مالکیت ملک را طبق مشخصات اعلام شده صادر نماید. ادامه ساخت و ساز و عملیات ساختمانی توسط تمامی ساکنین و کلیه دستگاه‌های اجرایی و دولتی و غیر دولتی و دست‌اندرکاران عمران روستایی منوط به تأیید عملیات ساختمانی به لحاظ فنی و اصول طرح هادی و ضوابط مندرج در پروانه ساختمانی توسط کارشناسان و مهندسیین ناظر بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان می‌باشد (آهنگر دارابی، ۱۳۹۱).

جامعه آماری

معرفی روستا

داراب کلا، روستایی است از توابع بخش میاندورود شهرستان ساری در استان مازندران ایران روستای داراب کلا از نظر تقسیمات سیاسی جز دهستان کوه‌دشت غربی از توابع بخش مرکزی شهرستان میان‌دورود می‌باشد. این روستا با ارتفاع ۱۱۰ متر از سطح آب‌های دریای آزاد قرار گرفته‌است. روستای مذکور از شمال به جاده ساری-نکا و شهر سورک، از جنوب به روستای اوسا و جنگل، از شرق به روستاهای جامخانه و پيله کوه و از غرب به روستاهای لالیم و اسبوکلا محدود می‌گردد. راه دسترسی به روستای داراب کلا از طریق محور ساری-نکا بوده و فاصله آن با شهر ساری ۱۵ کیلومتر می‌باشد. از لحاظ توپوگرافی، این روستا در منطقه جلگه‌ای واقع گردیده که شیب عمومی آن از جنوب به سمت شمال می‌باشد (آهنگر دارابی، ۱۳۹۱).

موقعیت جغرافیایی داراب کلا

این روستا با یکصد و چهل هکتار بدون احتساب زمین‌های زراعتی در شمال شرقی شهرستان ساری بخش میان‌دورود، با طول جغرافیایی ۱۵ ۵۳ و عرض جغرافیایی ۳۳ ۳۶ که از جنوب و جنوب غربی به جنگلهای خزاندار، از شرق به ارتفاعات مشرف به روستای پيله کوه و جامخانه و از غرب به دامنه‌های مشرف به روستاهای لالیم، کبابی، و اسبوکلا و از شمال به جاده ترانزیتی ساری - گرگان و شهر سورک متصل می‌باشد. این روستا بعنوان مرکز دهستان کوه‌دشت که حدود ۱۳ روستا را شامل می‌شود محسوب می‌گردد (Wikipedia.org).



شکل ۱- نقشه هوایی از دارابکلا و محل قرارگیری آن (منبع: نگارندگان)

سابقه تاریخی

مکانی که اکنون دارابکلا در آن واقع شده است سابقه‌ای کمتر از سیصد سال دارد و قبل از آن روستا در مکانی بنام گنبه که اکنون به منطقه جنگلی تبدیل شده است، واقع شده بود و پیران این روستا وجود بناها و معبد، قبرستان، حمام و غیره آنرا دیده‌اند که پدران و پدر بزرگان ما آجر و چوب آن بناها را کنده و جهت ساختن بناهای خود به اینجا آورده‌اند. وجود قبرستان و طریقه دفن مرده‌ها حکایت از ساکنین غیرمسلمان در این مکان دارد شاید بعد از هجوم اعراب مردم این روستا از مکانی که قبل از آن (بابی که امروز به اریایی و امامزاده جعفر نام دارد) ساکن بوده و به گنبه کوچ کرده‌اند. سنگ قبرهای موجود در امامزاده تاریخ هزار ساله را نشان می‌دهد در این مکان نیز نشانه‌هایی از آبادانی در گذشته‌های بسیار دور دارد وجود بقایای چند پل که بر روی داربکلارود در همین منطقه حکایت از آبادانی آن در گذشته دارد و آجرهای این پل که بوسیله اهالی کنده شده چند دستگاه ساختمان بنا شده که هم اکنون وجود دارد احتمالاً بنا به دلایلی همچون زمین لرزه و ایجاد گسل و یا اپیدمی خاصی و... مردم از منطقه گنبه به مکان فعلی یعنی دارابکلا کوچ کرده‌اند (ابراهیمی، ۱۳۸۸).

در باور عامه مردم، نام دارابکلا منتسب به داراب یکی از پادشاهان کهن ایران است. قلعه‌ای بنام کیجا قلعه (دختر قلعه)، که دختر داراب شاه بوده است دلیل بر مدعای ایشان است. با توجه به نمونه‌های تاریخی و محلی بر این نکته اسرار می‌ورزم که دارابکلا در ادوار پیشین بوده است و در زمان و مکان معین، آخرین و صحیح ترین رسم الخط آنرا علامه دهخدا داراب کلا آورده است.

وجه تسمیه گذشته تاریخی روستای دارابکلا

به طور کلی ارتباط مستقیمی بین استقرار یک سکونت‌گاه با عوامل طبیعی، اقتصادی و اجتماعی وجود دارد. عواملی که به بهبود اقتصادی روستاییان کمک می‌نماید مانند وجود آب، اراضی زارعی حاصل خیز، مساعد بودن وضعیت مالکیت اراضی کشاورزی، شرایط مناسب دامداری و همچنین امکان بهره‌برداری از آن‌ها از عوامل اصلی پیدایش یک سکونت‌گاه محسوب می‌شوند. علاوه بر این وجود عواملی چون روابط خویشاوندی، قدرت و نفوذ خان‌ها و مالکان، موقعیت طبیعی منطقه از لحاظ پستی و بلندی و دوری و نزدیکی به نهرها، رودخانه‌ها و جز آنها نیز در پیدایش سکونت‌گاه‌ها موثر می‌باشند.

در مورد پیدایش روستای دارابکلا عواملی مانند اراضی کشاورزی حاصل خیز، جنگل، منابع غنی آب‌های زیرزمینی وجود رودخانه داراب کلا رود، چشمه‌های متعدد، زمینه مناسب دامداری، وجود جاذبه‌های تاریخی و مذهبی از جمله قلعه و امامزاده مؤثر بوده است.

این روستا از گذشته دور به دزدار یا قلعه دارا معروف بود. زمانی که اسکندر مقدونی (شکوفایی ۳۲۳-۳۳۶ ق.م) یعنی در سال ۳۲۳ ق.م به سرزمین فارس یورش برد، دارا فرزند داراب فرار کرد و به طبرستان پناهنده شد. وی در طبرستان قلعه‌ای به نام دارا ساخت و در آنجا اقامت گزید. قلعه‌ای که دارا بنا نهاده بود تا سال ۶۱۱ ق پابرجا بود. از قرن دهم هجری قمری به بعد به دز دارا تبدیل به دارا کلاته گردید و از دو قرن پیش به این سو با تبدیل اسم دارا به داراب و تخفیف کلمه کلاته (آبادی، روستا) به کلا، دارابکلا خوانده می‌شود.

بنابر تصریح مورخان، تأسیس روستای دارابکلا به وجود ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح (ع) می‌رسد. در سال ۶۰۲ ق، شمس الملوک رستم در قلعه دارا به حکومت رسید، وی جانشین اردشیر حاکم قبلی منطقه بود. با به قدرت رسیدن مرعشیان در سال ۷۶۰ ق دارابکلا همراه با سایر نقاط شهرستان ساری تحت

حاکمیت مرعشیان مازندران قرار گرفت و در حدود نیمه قرن دهم هجری، یعنی در سال ۹۷۳ ق، مسکن گروهی از سادات معروف به سادات مرتضایی بود که به وسیله یکی از سرداران میر سلطان مراد به نام نوذر تمام خانه‌های آنان و وابستگان‌شان سوزانیده و غارت گردید (آهنگر دارابی، ۱۳۹۱).

معیارها و ضوابط کلی طراحی کالبدی روستای مورد مطالعه (داراب‌کلا)

در طراحی کالبدی روستا سعی گردیده تا توسعه فیزیکی روستا به گونه‌ای باشد تا مانع از تخریب اراضی زراعی و باغی گردیده و در مواردی که سرانه واحدهای مسکونی در وضع موجود بالا بوده و از خلل و فرج در بافت روستا به عنوان فضای توسعه در نظر گرفته شود. همچنین در تعریض معابر روستا سعی گردیده تا با در نظر گرفتن نقش و عملکرد آنها و با توجه به حداقل میزان تخریب کاربری‌ها طراحی گردند. بر این اساس استفاده از ضوابط و معیارهای ذیل جهت طراحی کالبدی روستا الزامی می‌باشد.

- ۱- توسعه روستا در داخل بافت فیزیکی موجود صورت گیرد.
- ۲- افزایش میزان تراکم به طوریکه از زمین کمتری استفاده گردد.
- ۳- سازگاری و هماهنگی بین کاربری‌های موجود و پیشنهادی.
- ۴- رعایت حداقل تخریب در ارتباط با تعریض شبکه‌ها.
- ۵- صدور پروانه ساختمانی همراه با رعایت حریم معابر و انهار.
- ۶- توزیع مناسب خدمات در فواصل مناسب جهت دسترسی آسان.
- ۷- جلوگیری از رشد بی رویه روستا.
- ۸- ایجاد کاربری‌های جدید و موردنیاز جهت رفع مشکلات (آهنگر دارابی، ۱۳۹۱)

بررسی سرانه‌های موجود، پیشنهادی و تعیین کمبودهای خدماتی و مسکونی

سرانه خدماتی و مسکونی موجود روستا، از تقسیم سطح هر یک از کاربری‌های مذکور به جمعیت سال ۱۳۸۵ حاصل گردید و سرانه‌های پیشنهادی نیز با توجه به استانداردهای خدمات رسانی روستا که از تقسیم هر کاربری به جمعیت افق طرح (سال ۱۳۹۵) تعیین شده‌است. در ذیل سرانه‌های موجود و پیشنهادی هر یک از کاربری‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

مسکونی

فضای مسکونی روستای داراب‌کلا در وضع موجود سطحی معادل ۶۱۶۳۱۸ مترمربع با سرانه ۱۲۷/۰۸ مترمربع را به خود اختصاص داده‌است که در طرح پیشنهادی با توجه به جمعیت ۵۴۳۲ نفری سال ۱۳۹۵ و با توجه به اینکه عملکرد اقتصادی روستا در زمینه کشاورزی و دامداری می‌باشد. در نتیجه روستائیان جهت جمع آوری و نگهداری محصولات کشاورزی و نگهداری احشام به ایجاد انبار و طویله در داخل فضای مسکونی خود اقدام نموده‌اند. لذا با در نظر گرفتن سرانه ۱۰۰/۰۰ مترمربع برای جمعیت اضافه شونده در افق طرح سرانه به ۱۱۹/۲۱ مترمربع خواهد رسید.

تجاری

کاربری تجاری در روستای داراب‌کلا عموماً در کنار معبر اصلی درجه یک شکل گرفته‌اند که سطحی معادل ۴۰۰۴ مترمربع با سرانه ۰/۸۳ مترمربع را در وضع موجود به خود اختصاص داده‌است لذا در طرح پیشنهادی با توجه به جمعیت اضافه شونده افق طرح و تخریب ناشی از تعریض معابر نیازمند فضایی معادل ۵۰۵۳ مترمربع می‌باشیم که با احتساب آن سرانه به ۱/۵۰ مترمربع خواهد رسید. قابل ذکر است که مساحت پیشنهادی این کاربری به صورت شناور می‌باشد.

شبکه معابر

شبکه معابر روستای داراب‌کلا در وضع موجود سطحی معادل ۲۰۷۵۸۹ مترمربع با سرانه ۴۲/۸۰ مترمربع را به خود اختصاص داده‌است که در طرح پیشنهادی با توجه به تعریض معابر نیازمند فضایی به مساحت ۶۱۶۷۱ مترمربع خواهیم بود که با احتساب آن سرانه به ۴۹/۵۷ مترمربع خواهد رسید.

آموزشی

فضای آموزشی روستای داراب‌کلا شامل مدرسه ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان می‌باشد که سطحی معادل ۱۳۳۹۲ مترمربع با سرانه ۲/۷۶ مترمربع را در وضع موجود به خود اختصاص داده‌است که با توجه به کمبود فضای آموزشی، در افق طرح فضایی به مساحت ۶۰۰۰ مترمربع پیشنهاد گردید که با احتساب آن سرانه به ۳/۴۸ مترمربع افزایش می‌یابد.

بهداشتی و درمانی

فضای بهداشتی و درمانی در روستای داراب‌کلا سطحی معادل ۲۱۱۹ مترمربع با سرانه ۰/۴۴ مترمربع را در وضع موجود به خود اختصاص داده‌است که با توجه به کمبود فضای بهداشتی و درمانی، در افق طرح فضایی به مساحت ۵۹۷۰ مترمربع پیشنهاد گردید.

صنایع کارگاهی

کاربری مذکور در روستای داراب کلا در وضع موجود سطحی معادل ۹۱۱۴ مترمربع با سرانه ۱/۸۸ مترمربع را به خود اختصاص داده است که با توجه به تخریب ناشی از تعریض معابر، خارج شدن بخشی از صنایع از بافت روستا و جمعیت اضافه شونده سطحی معادل ۸۰۸۱ مترمربع به صورت شناور پیشنهاد می‌گردد که با احتساب آن سرانه به ۲/۵۰ مترمربع خواهد رسید. قابل ذکر است که مساحت پیشنهادی این کاربری از نوع صنایع غیر مزاحم می‌باشد.

اداری - انتظامی

فضای اختصاص یافته به کاربری اداری - انتظامی در روستای داراب کلا سطحی معادل ۴۱۸۱ مترمربع با سرانه ۰/۸۶ مترمربع را شامل می‌شود که با توجه به جمعیت افق طرح سطحی معادل ۵۲۹۳ مترمربع پیشنهاد گردیده است که با احتساب آن سرانه به ۱/۵۸ مترمربع افزایش می‌یابد.

تأسیسات و تجهیزات

فضای اختصاص یافته به کاربری تأسیسات و تجهیزات در روستای مذکور سطحی معادل ۵۴۷ مترمربع با سرانه ۰/۱۱ مترمربع را در وضع موجود به خود اختصاص داده است که با توجه به کمبود فضای موجود و جمعیت اضافه شونده سطحی معادل ۴۹۵۰ مترمربع به این منظور پیشنهاد می‌گردد که با احتساب آن سرانه به ۱/۰۰ مترمربع افزایش می‌یابد.

مذهبی

فضای اختصاص یافته به کاربری مذهبی در روستای داراب کلا شامل مساجد و حسینیه می‌باشد که سطحی معادل ۳۷۰۶ مترمربع با سرانه ۰/۷۶ مترمربع را در وضع موجود به خود اختصاص داده است که این سرانه در طرح پیشنهادی با توجه به جمعیت اضافه شونده و تخریب ناشی از تعریض معابر به ۰/۶۴ مترمربع خواهد رسید. (همان)

فرهنگی

روستای داراب کلا در وضع موجود فاقد این کاربری می‌باشد که با توجه به نیازمندی‌های موجود و جمعیت افق طرح سطحی معادل ۵۴۳۲ مترمربع با سرانه ۱/۰۰ مترمربع در سه قسمت مرکزی، شمالی و شمال غربی (داخل پارک پیشنهادی) پیشنهاد گردیده است (همان).

فضای سبز تجهیز شده

روستای داراب کلا در وضع موجود فاقد کاربری فضای سبز تجهیز شده می‌باشد که با توجه به جمعیت افق طرح سطحی معادل ۲۷۱۶۰ مترمربع با سرانه ۵/۰۰ مترمربع در چهار نقطه بافت روستا پیشنهاد گردیده است.

فضای سبز عمومی

روستای داراب کلا فاقد فضای سبز عمومی می‌باشد.

گورستان

در وضع موجود فضای گورستان به مساحت ۲۰۴۴۴ مترمربع با سرانه ۴/۲۲ مترمربع وجود دارد که در افق طرح خارج از بافت روستا قرار می‌گیرد.

ورزشی

فضای ورزشی روستای داراب کلا در وضع موجود سطحی معادل ۵۰۲۱ مترمربع با سرانه ۱/۰۴ مترمربع را به خود اختصاص داده است که با توجه به جمعیت افق طرح فضایی به مساحت ۱۴۵۸۸ مترمربع در کنار فضای ورزشی موجود پیشنهاد می‌گردد که با احتساب آن سرانه به ۳/۶۱ مترمربع خواهد رسید. قابل ذکر است فضای ورزشی به مساحت ۱۳۰۰۰ مترمربع در خارج از بافت در قسمت جنوبی (حاشیه جنگل) وجود دارد که با احتساب آن سرانه ورزشی به ۶ مترمربع افزایش می‌یابد (دهیاری، مدارک موجود).

اراضی زراعی

اراضی زراعی در وضع موجود سطحی معادل ۱۵۸۹۸۵ مترمربع با سرانه ۳۲/۷۸ مترمربع را به خود اختصاص داده است. با توجه به در نظر گرفتن توسعه مسکونی و کاربری‌های پیشنهادی این سرانه به ۷/۰۲ مترمربع کاهش خواهد یافت (همان).

باغات

اراضی باغی در وضع موجود سطحی معادل ۸۸۱۰۴ مترمربع با سرانه ۱۸/۱۷ مترمربع را به خود اختصاص داده است با توجه به در نظر گرفتن توسعه مسکونی و کاربری‌های پیشنهادی این سرانه به ۲/۳۲ متر مربع کاهش خواهد یافت.

اراضی بایر

اراضی بایر در وضع موجود سطحی معادل ۱۱۸۳ مترمربع با سرانه ۰/۲۴ مترمربع را به خود اختصاص داده است که در سطح پیشنهادی فضایی از این کاربری باقی نمانده است (آهنگر دارابی، ۱۳۹۱).

شناخت و تعیین نحوه کاربری فضاهای موجود

طبق بررسی‌های به عمل آمده و تهیه نقشه وضع موجود از روستا، کاربری‌های متفاوتی در روستا وجود دارد که به خدمات رسانی اهالی روستا می‌پردازند، در یک گروه بندی جامع مهمترین آنها عبارتند از: کاربری مسکونی، شبکه معابر، تجاری، آموزشی، بهداشتی و درمانی، مذهبی، فرهنگی، اداری-انتظامی، ورزشی، صنایع کارگاهی و تأسیسات و تجهیزات که مجموعاً سطحی معادل ۸۸۶۴۳۵ مترمربع را اشغال کرده‌اند (آهنگر، ۱۳۹۱: ۲۸-۲۲).

معماری بومی:

اولین نامی که بر این پدیده معماری، نهاده شد «معماری خودجوش» و به ابداع «پاگونه» بود. در اینجا منظور از خودجوش، معنای تصادفی بودن آن نیست؛ بلکه طبیعی بودن آن است» (آلیاگونولو، ۱۳۸۴: ۲۵). «این معماری به طور سنتی به فرم‌هایی اطلاق میشود که بر اساس نیازهای ساکنین یک منطقه و محدودیت‌های محل واقلم، شکل گرفته باشد» (اوکتاری، ۱۳۸۶: ۲۲). «میتوان گفت که معماری بومی با مردم همزاد و با محیط، همساز است» (ناظر، ۱۳۹۲: ۴). «دارای خطوط ارتباطی مستقیم، بلاواسطه و محکمی با فرهنگ توده‌ها و زندگی روزمره‌ی آنهاست» (گودرزی، ۱۳۸۲: ۳). که معمولاً به «معماری بدون معمار» نیز معروف است» (امینی، ۱۳۹۱: ۲) و میتواند «به هر نوع معماری که به یک مکان خاص تعلق داشته باشد»، اطلاق شود (بانی مسعود، ۱۳۸۷: ۹۸). «استفاده بهینه از انرژی و بهره برداری اکولوژیک از انواع انرژی‌های پایدار از خصوصیت این نوع معماری به شمار می‌رود» (نوحی، ۱۳۸۴: ۱۷).

«استفاده از امکانات محیطی و هماهنگی با طبیعت، در معماری بومی نمایان است» (سرتیپ پیور، ۱۳۸۵: ۳۵). به ارگیری فنون محلی و استفاده از مصالح بوم آورد، اغلب فرایندی نسبتاً ساده داشته و به راحتی بخشی از نیازهای عملکردی ساکنان را برآورده می‌کرده است» (محمدزاده، ۱۳۹۱: ۳). «در معماری بومی، نه تنها میتوان به مفاهیم فرمیک توجه نمود؛ بلکه اصل الهام‌گیری، در به کار بردن جوانب مثبت برای رسیدن به آسایش است» (برزگر و مفیدی شمیرانی، ۱۳۸۹: ۱۴).

تأثیر اقلیم بر معماری بومی روستا:

«سکونت گاه‌های روستایی بسته به شرایط اقلیمی، توپوگرافی، زمین شناسی و ... شکل می‌گیرند؛ به طوریکه در بین عوامل طبیعی، عامل اقلیم، پیچیده‌ترین نقش را در نواحی مختلف ایران داشته است» (زیاری، ۱۳۸۹: ۸۳). از آنجا که مسکن، فضای خصوصی زندگی انسان‌هاست؛ از این رو، توجه به شرایط آسایش و آرامش در این فضاها، همچنین، اقتصادی بودن راه‌های دستیابی به موارد مذکور، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. دو عامل فوق (آسایش و اقتصادی بودن آن) در معماری بومی منطقه که عمدتاً دارای شرایط آب و هوایی سرد می‌باشد؛ با ارائه‌ی راه حل‌های بومی مدنظر قرار گرفته‌است. «خانه‌های مسکونی سازگار با شرایط اقلیمی و آسایش به عنوان الگوی مناسب معماری در طول زمان، توسط معماران سنتی تکرار شده‌اند. همین تسلسل زمانی الگوهای پذیرفته شده، موجب شده است که معماری بومی دارای شکل، بافت، حجم و مصالح منطقی سازگار با اقلیم و شرایط جوی باشد» (هاشم نژاد و مولانایی، ۱۳۸۷: ۲۳).

« بناهای روستایی که در گذشته ساخته می‌شد؛ به علت رعایت اصول و معیارهای اقلیمی، در برابر عوامل نامساعد جوی عملکرد خوبی داشته و به طور طبیعی، انسان را از شرایط آب و هوایی سرد و گرم حفظ می‌کرده است» (اسپانی، ۱۳۸۳: ۸۴) «برخلاف مناطق کویری که بیشتر روستاها کاه‌گلی و درون‌گرا هستند» (پیرنیا، ۱۳۸۲: ۱۵۷) «در مناطق کوهستانی، شاهد روستاهای سنگی و برون‌گرا هستیم. این موضوع، معلول اقلیم‌های متفاوت است؛ اما در هر صورت اقلیم، نمی‌تواند مهمترین عامل شکل‌گیری منظر روستایی در غرب ایران باشد» (آتشی نبار، ۱۳۸۸: ۳۲).

شناخت کیفیت ابنیه روستا

ساختمان‌های موجود در روستای داراب کلا از لحاظ کیفیت به چهار گروه ذیل تقسیم بندی می‌گردند:

الف) ابنیه نوساز

با توجه به بررسی‌ها و مشاهدات میدانی بناهای نوساز به بناهایی گفته می‌شود که مصالح بکار رفته در آنها از نوع مصالح مرغوب و جدید شامل آجر، سنگ و سیمان بوده و اصولاً در برابر زلزله از مقاومت نسبتاً بالایی برخوردار باشند. طی بررسی‌های به عمل آمده این دسته از بناها تعداد ۷۸۱ واحد معادل ۲۶/۳۴ درصد از ابنیه روستا را تشکیل داده‌اند.

ب) ساختمان‌های قابل نگهداری

بناهایی که نسبت به گروه اول (نوساز) قدمت بیشتری داشته و مصالح بکار رفته در آنها اکثراً از مصالح بومی منطقه می‌باشند و در برابر خطرات و حرکات زمین تا حدودی مقاومت دارند. این دسته از بناها تعداد ۱۲۷۴ واحد معادل ۴۲/۹۷ درصد از ابنیه روستا را تشکیل می‌دهند.

ج) ساختمان‌های مرمتی

به ساختمان‌هایی اطلاق می‌شود که گذشت زمان و همچنین تأثیرات آب و هوایی باعث کاهش کیفیت بنا شده در نتیجه برای بالا بردن عمر آنها با توجه به استاندارد واحدها الزامی است. این دسته از بناها تعداد ۴۷۸ واحد معادل ۱۶/۱۲ درصد از کل ابنیه روستا را تشکیل می‌دهند.

د) ساختمان‌های تخریبی

به ساختمان‌هایی اطلاق می‌شود که عمر مفید آنها پایان یافته و بایستی کاملاً تخریب شده و مجدداً احداث گردند تا از خطرات مالی و جانی جلوگیری شود. شایان ذکر است که این نوع بناها غالباً در هسته مرکزی و اولیه روستا به چشم می‌خورند. طبق نقشه کیفیت ابنیه تهیه شده تعداد ۴۳۲ واحد معادل ۱۴/۵۷ درصد از بناهای روستا در این دسته قرار دارند. (آهنگر دارابی، ۱۳۹۱).

بحث و بررسی

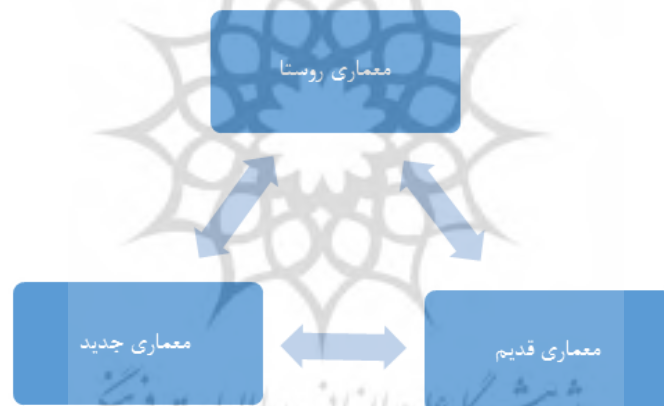
بررسی مصالح ساختمانی و کاربرد آنها

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده مصالح ساختمانی بکار رفته در ساخت مسکن روستای داراب‌کلا شامل چوب، گل، آجر، بلوک، تیر آهن، حلب، ایرانیت، سیمان، گچ و ... می‌باشد که هر یک از مصالح فوق‌الذکر در ارتباط با قدرت و توان مالی افراد در ساخت واحد مسکونی استفاده می‌گردد. ضمناً برای ساخت دیوار از آجر، بلوک و سیمان و برای پوشش سقف از حلب و ایرانیت استفاده شده‌است.

مصالح به‌کار رفته در ساختمان‌های قدیمی مصالح کم‌دوام و موجود غالباً شامل بلوک و آجر با سقف چوبی و پوشش حلب می‌باشد و در ساختمان‌های جدید غالباً آهن، آجر، بلوک سیمانی و بتون آرمه است در واقع می‌توان چنین بیان داشت که سمت و سوی ساختمان‌های جدیدی که احداث می‌شود با مصالح بادوام می‌باشد که عمدتاً در خارج از محدوده روستا تهیه می‌شوند و جای مصالح محلی را گرفته‌است و به طور کلی در ساخت و سازهای جدید مصالح به‌کار رفته مانند ساختمان‌های شهری است یعنی با پی و فونداسیون بتن آرمه و اسکلت فلزی و بتنی به همراه آجر و بلوک سیمانی در دیوار، سقف‌ها عمدتاً از قوطی‌های فلزی و بعضی جاها با چوب و نیز پوشش سقف با ایرانیت می‌باشد در و پنجره‌ها از چوب، آلومینیوم و آهن است (آهنگر دارابی، ۱۳۹۵).

بررسی معماری و ترکیب فضاهای مسکونی

در امر معماری و ترکیب فضاهای مسکونی مناطق روستایی لازم است به عادت‌ها و نیازهای مردمی توجه شود. هر چند تفاوت‌هایی از لحاظ ویژگی‌های طبیعی، تاریخی، اجتماعی-اقتصادی نیز در این امر مؤثر می‌باشد. شایان ذکر است که شیوه معیشت در روستا نیز در نوع و ترکیب مسکن تأثیر دارد، زیرا مسکن یک فرد دامدار بدون آغل و اصطبل کامل به نظر نمی‌رسد. بنابراین افراد متناسب با نوع معیشت خود فضاهایی را در داخل حیاط تعبیه می‌نمایند. موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، ساختار خانواده‌های روستایی و تحولات آن است. به عبارت دیگر در گذشته خانواده‌های روستائیان بصورت خانواده گسترده (چند خانواری) بوده که به مرور زمان به خانواده کوچک یا هسته‌ای تبدیل شده و خانواده‌های پر فرزند به خانواده‌های کم فرزند مبدل گشته که این عوامل می‌تواند ترکیب فضاهای مسکونی را در روستای مورد مطالعه در قالب دو تقسیم بندی کلی یعنی معماری قدیم و جدید بررسی کرد (آهنگر دارابی، ۱۳۹۵).



نمودار شماره ۱- تقسیم بندی طراحی روستایی از لحاظ معماری

منبع: کتاب داراب‌کلا در گذر زمان

در سبک قدیم به جهت بالا بودن بعد خانوار و گستردگی خانواده‌ها عموماً منازل در ابعاد بزرگ‌تری نسبت به سبک جدید بنا می‌شده و اتاق‌هایی به صورت ردیفی در کنار هم و در جلوی آن تراسی با ساخت پله جهت دسترسی به حیاط در نظر گرفته می‌شد و در برخی موارد آشپزخانه جدای پیکره اصلی ساختمان در پشت و یا در حیاط منزل احداث می‌شدند و کمتر خانه‌ها دارای حمام بودند و اکثراً از حمام‌های عمومی استفاده می‌کردند. روستائیان با توجه به نوع معیشت خود (کشاورزی، صنعت و خدمات) فضایی را در حیاط خانه جهت نگهداری ابزار در نظر می‌گرفتند. شیوه ساخت این نوع ساختمان‌ها اساساً با مصالح موجود و بومی توسط افراد و فنآوری محدود محلی ساخته می‌شدند (آهنگر دارابی، ۱۳۹۵).

مقایسه معماری جدید کاربری مسکونی با قدیم آن

اما در معماری جدید سعی بر کوچک سازی و جایگزین نمودن خانه‌های کوچک به جای خانه‌های بزرگ قدیمی است و علاوه بر این در سبک جدید استفاده از فناوری جدید امکان پذیر شده و در این سبک سعی شده است تا نقشه‌های ساختمانی طوری طراحی گردد تا اکثر امکانات از قبیل آشپزخانه، حمام، توالت و حتی انباری در داخل ساختمان تعبیه گردد تا به راحتی قابل دسترسی باشند. علاوه بر دقت در طراحی جهت دسترسی به سایر مسائل از قبیل نورگیری کافی، کوران و تهویه هوا، قرارگیری اتاق‌های خواب حتی المقدور در سمت شمال و فضایی چون آشپزخانه و سرویس‌ها در سمت غرب و فضاهایی چون انبار که کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد در سمت شرق نیز جانمایی گردد. البته در این سبک بناها، محل نگهداری دام و محصولات کشاورزی در پشت ساختمان در محلی مناسب پیش بینی می‌شود. لذا در بررسی‌های به عمل آمده از روستای داراب‌کلا، معماری واحدهای مسکونی ترکیبی از نمای قدیمی و جدید می‌باشد به نوعی که بیشتر واحدهای

مسکونی جدید تیپ ساخت و ساز شهری به خود گرفته‌اند. به طوری که ساختمان‌ها بصورت یک طبقه روی پیلوت احداث شده و طبقه همکف به واحدهای تجاری یا انباری و یا پارکینگ وسایل نقلیه و طبقه فوقانی به منزل مسکونی اختصاص یافته است. در این نوع واحدهای مسکونی سرویس‌های بهداشتی و آشپزخانه نیز در درون ساختمان جانمایی می‌شوند و حیاط منزل نیز بسته به موقعیت مکانی آن در پشت و یا جلوی ساختمان قرار گرفته‌است.

ساختمان سازی در عصر جدید

- ۱- این دوران که بعد از سال‌های ۳۰ و ۱۳۴۵ به بعد و تا حال حاضر در حال تکوین است، تمایزاتی را با روند ساختمان سازی دوران پیشین دارد به این شکل که دیگر دورتا دور فضای زمین مسکونی را ساختمان نمی‌سازند بلکه در گوشه یا وسط زمین مبادرت به این امر کرده و از سایر فضاهای استفاده دیگری می‌برند.
 - ۲- فضای کافی و مناسب جهت نگهداری ماشین آلات کشاورزی بجای دام‌های کشاورزی در ساخت و سازها در نظر گرفته می‌شود.
 - ۳- در ساخت و سازها از مصالح جدید و بادوام استفاده می‌شود و ساختمانها حالت شاد و تمیزی خویش را حفظ می‌کنند.
 - ۴- پنجره‌های بزرگ برای نورگیری کافی و کوران هوا و همچنین درب‌های پیش ساخته استاندارد در ساختمان بکار گرفته می‌شود.
 - ۵- افراد قبلاً نقشه ساختمان را تهیه کرده بر روی آن فکر می‌کنند و همچنین بودجه‌های لازم را تهیه و آماده می‌نمایند.
 - ۶- عموماً برای ساخت خانه‌ها دیگر متکی به نیروی کارگر خودی نیستند بلکه به بازار کار رجوع می‌کنند و از قبل برای این کار از استاد کار وقت می‌گیرند.
 - ۷- سطح زیربنا عموماً بالای ۱۰۰ متر می‌باشد. اکثراً یک طبقه و ویلانی مانند شکل می‌گیرد.
- روستاییان فقط ساختمان می‌سازند، هنوز ابعاد خانواده خویش نمی‌دانند و نه برنامه‌ای برای تعداد نفرات در آینده دارند و همچنین برای افراد سؤال خاصی راجع به جهت‌گیری ساختمان، میزان گرمایی در زمستان و خنکی در تابستان قبلاً ایجاد نمی‌شود (آهنگر دارابی، ۱۳۹۵).

وجه فرهنگی:

وجه فرهنگی مؤثر بر طراحی مسکن روستائی که از اعتقادات و تأثیر مفاهیم مذهبی، آداب و سنن اعتقادی می‌باشد، در بعضی موارد نتیجه تأثیر عوامل سمبلیک، ارزش‌های تاریخی و رفتارهای قراردادی در مسکن روستائی است.

۱- مذهب و تشریح:

- **جهت (مقدس):** از آن جایی که هر روستا به لحاظ هویت، دارای یک مرکز محله بوده که به عنوان محل تجمع ساکنان روستا محسوب می‌شود. با توجه به مطالعات میدانی و اظهارات مسئولان محلی، مرکز محله روستای داراب کلا در قسمت مرکزی میدان امام حسین (ع) ° (تکیه پیش) - حاشیه فضای مذهبی شکل گرفته که از ویژگی‌های این مرکز محله می‌توان به تراکم واحدهای مسکونی، تجاری و همچنین تعداد شبکه معابر که از چندین نقطه به آن محدود می‌گردند، اشاره کرد (آهنگر دارابی، ۱۳۹۵).
 - جهت‌گیری مسکن به این جهات مهم در ساخت و طراحی از جمله عامل مذهبی پررنگی بیش از هر عامل دیگری در جهت‌گیری ابنیه در این روستا محسوب می‌شود. از ویژگی‌های معماری روستای داراب کلا جهت‌گیری ساختمان‌ها به سه جهت از جمله به سمت دریا، به سمت قبله و رو به شرق (حرم امام رضا (ع)) می‌باشد که به دلیل موقعیت مکانی مسجد جامع داراب کلا نحوه شکل‌گیری روستا به معابر، ساختمان‌ها رو به جهت قبله و با کمی تغییر رو به مسجد جامع داراب کلا می‌باشند. این مکان مذهبی به عنوان نقطه عطف روستا محسوب می‌شود.
 - **اماکن مذهبی:** وجود مراکز فرهنگی مذهبی در یک محله مانند مسجد و تکیه موجب جذب جمعیت و شروع ساخت و ساز در آن محله می‌شود و به مرور زمان این محله توسعه می‌یابد و با ورود افراد جدید، با وضعیت اقتصادی بهتر در حاشیه دیگری از آن مجتمع شروع به احداث بنا می‌نمایند که این بناها موجب جذب عده‌ای از مردم که از تمکن مالی برخوردار می‌باشند، می‌شود و عاملی مانند وضعیت طبیعی که عده‌ای را به دور خود جذب می‌نماید. اما معمولاً هسته اولیه مجتمع‌های زیستی در اطراف اماکن مذهبی و فرهنگی می‌باشد که این محله دارای ویژگی‌های بافت متمرکز ابنیه قدیمی می‌باشد (آهنگر دارابی، ۱۳۹۵).
- در روستای داراب کلا مسجد جامع و حسینیه آن از مراکز مهم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این روستا می‌باشند و ابنیه مسکونی با قدمت و به عبارتی به روز آن زمان در این مکان بنا شده‌اند و مکان سنتی آنها به دور میدان اصلی که یک جهت آن مسجد و در جهت دیگر آن در قدیم انبار نفت بوده‌است که اهالی و افراد از بیرون سوخت مورد نیاز خود را از این مکان تهیه می‌کردند.



شکل ۲ ° دورنمایی از مرکز فرهنگی مذهبی داراب کلا (منبع: نگارندگان)

- **آداب و رسوم مذهبی:** شکل گیری معماری روستا و طراحی آن به شکلی بوده که از سمت نمای ساختمان‌ها نیز دارای غلام گرد به عرض حداقل یک متر رو به میدان اصلی برای تماشای مراسم مذهبی به عنوان یکی از اهداف بکار می‌رفته که به مرور زمان استحکام خود را از دست داده‌اند.



شکل ۳ ° نمایی از منازل مسکونی سنتی در مرکز فرهنگی مذهبی داراب کلا (منبع: نگارندگان)

- **فرم‌ها و اشکال مذهبی:** از نمونه‌های مؤثر در منازل روستائی که از اینبه مذهبی فرم پنجره‌های آن نشأت گرفته‌است. مردم در آن نمادی از الوهیت، پاکی، بی‌آلایشی و آرامش را جستجو می‌کنند.



شکل ۴ ° نمایی از پنجره‌های سنتی منازل مسکونی (منبع: نگارندگان)

۲- درک فضا و رفتارهای قراردادی:

- **عرصه بندی و حرایم و حجاب:** در مساکن روستائی این روستا به وضوح اینگونه رفتارهای قراردادی و ارتباط فضاها را می توان درک نمود، معمولاً خانه ها با یک تراس سرتاسری از سمت حیاط منزل به اتاق ها را پیدا می کرد که اتاق های موجود در منازل سنتی با یک درب جداگانه از داخل بهم متصل بودند به بیان دیگر یک اتاق واسطی بین اتاق ها این نقش را ایفا می کرد.



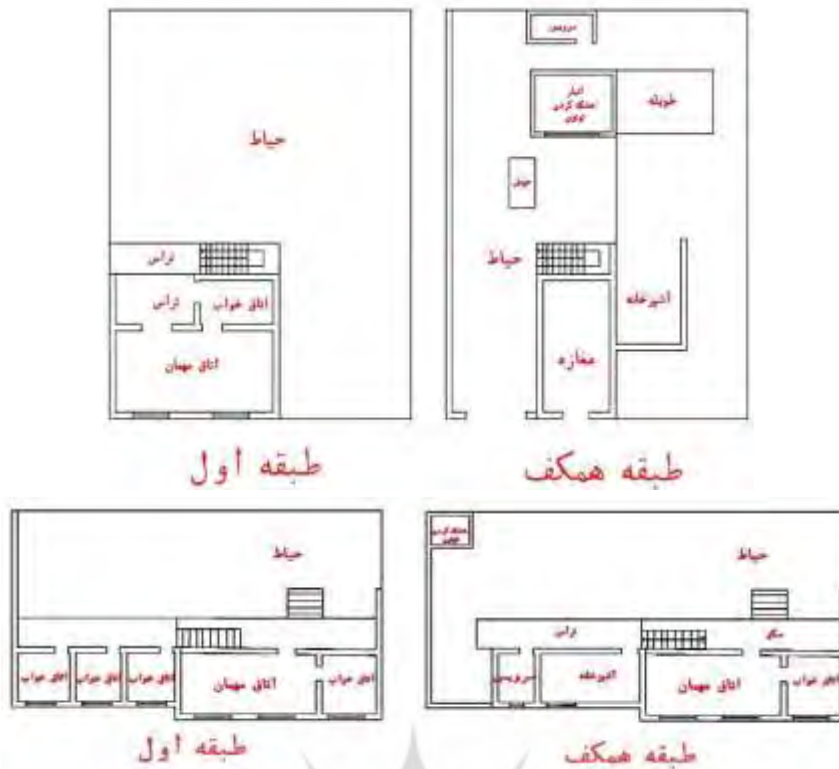
شکل ۵ پلانی از منازل سنتی مسکونی روستای داراب کلا با نمایش اتاق واسط (منبع: نگارندگان)

در برخی دیگر از منازل و حدوداً ۴۰ سال گذشته منازل با اتاقی برای مهمان که دسترسی آن از سمت بیرون تراس بوده که درب دیگری نیز از فضای درونی به آن متصل می شد و از سمت تراس با یک راهرو به فضای داخلی راه می یافت و البته ممکن بود تعداد این اتاق ها به تعداد دو و شاید بیشتر نیز برسد و در این روستا در سبک قدیم کمتر خانه ای پیدا می شد که دارای حمام باشد، تمام مردم از حمام های عمومی استفاده می کردند.

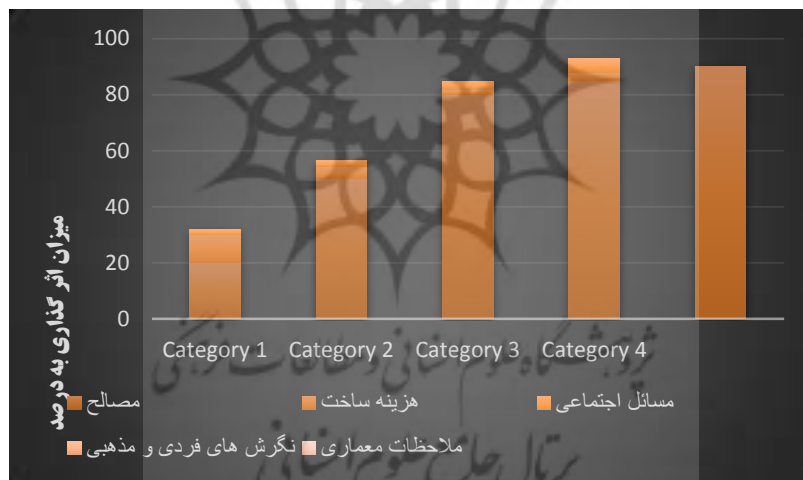


شکل ۶ پلانی از اولین منزل سنتی مسکونی روستای داراب کلا با قدمت ۴۰ سال که در آن حمام طراحی شده (منبع: نگارندگان)

- **نقش عوامل سمبلیک:** در دوران گذشته در روستای موپرد مطالعه نحوه ساختن مساکن روستائی به طوری انجام می گرفت که دور تا دور فضای زمین را اشغال می کرد. از انجایی که علاوه بر عوامل طبیعی، عوامل اجتماعی بسیار نقش مهمی را ایفا می کنند از جمله احساس امنیت و سنن و آداب و رسوم و دیگر عوامل روانی مانند احساس تعلق به قلمرو و مکانی. این نحوه ساخت و ساز از گذشته تا حال نبود امنیت را به خاطر می آورد. آزادی و میل داشتن به آن در وجود مردم روستا نهادینه شده و با محفوظ نگه داشتن دور حیاط خانه با استفاده از پرچین های بلند و چپر و گل و گیاه و یا درختان امنیت را برای اعضای خانواده فراهم می آوردند.



شکل ۷ پلانی از منزلی سنتی مسکونی روستای داراب کلا و قرارگیری فضاها (منبع: نگارندگان).



نمودار ۱- میزان عوامل موثر بر عدم ساخت و سازهای مناسب از باب مسائل موجود در روستا (منبع: نگارنده)

۱- ویژگی‌های به‌دست آمده معماری مساکن روستای مورد مطالعه

- در این روستا و عموماً روستاهای دامنه کوه‌ها که رطوبت کمتری نسبت به مناطق جلگه ای دارند معمولاً خانه‌ها بر روی پایه‌هایی از سنگ و گل آهک بنا می‌شوند.
- به منظور حفاظت اتاق‌ها از باران، بالکن‌های عریض و سرپوشیده در اطراف اتاقها (بخصوص ساختمان دوطبقه) ایجاد می‌گردد (از این فضا برای استراحت در فصول گرم، خشک کردن محصولات کشاورزی و نگهداری و انبار محصولات استفاده می‌شود).
- اکثر ساختمان‌ها با مصالحی دارای حداقل ظرفیت حرارتی می‌باشند، بناگرددند و در صورت استفاده از مصالح ساختمانی سنگین ضخامت آنها در حداقل ممکن نگه داشته شده‌است (استفاده از مصالح ساختمانی سبک مثل چوب و آجر در این آب و هوا کاملاً منطقی است).
- استفاده از کوران و تهویه طبیعی در تمام ساختمان‌های روستا (بجز قدیمی) بچشم می‌خورد و بطور کلی ساختمان‌ها دارای پلان گسترده و باز بوده و بیشتر اشکال هندسی، طویل و باریک هستند. جهت ساختمان‌ها رو به دریا، رو به قبله و رو به امام رضا می‌باشد. البته عامل مذهبی تاکنون دخالت بیشتری داشته است تا رعایت مصالح ساختمانی و استفاده از انرژی رایگان طبیع.

۵- از نظر سازمان‌یابی بناها در روستا نیز به منظور استفاده هر چه بیشتر از جریان هوا و بدلیل فراوانی آب و امکان دسترسی به آن در هر نقطه ساختمان‌ها پراکنده و بازتر می‌باشند.

۶- بدلیل وجود بارندگی‌های زیاد در این مناطق بام‌ها شیب‌دار بوده و اکثراً دارای شیب تند برای تخلیه باران می‌باشند.

جدول شماره ۲- نتایج تاثیر گذاری عوامل موثر در ساخت و ساز مسکونی روستای دارابکلا در جهت بهبودی

موارد	نتایج
عوامل طبیعی	<ul style="list-style-type: none"> • جهت‌گیری واحدهای مسکونی به سمت بادهای مناسب و کوچک‌شدن یا حذف پنجره‌های رو به بادهای نامطلوب • احداث خانه‌های دو طبقه برای استفاده بیشتر از جریان هوا • ایجاد بالکن‌های عریض و سرپوشیده در اطراف اتاق‌ها
	<ul style="list-style-type: none"> • استفاده از مصالح با ظرفیت حرارتی بالا در روستا • استفاده از ایوان یا پیش آمدگی بام برای محافظت از ورودی ساختمان در برابر باران • ساخت سقف‌های شیب‌دار با پوشش سفالی، کاهی، حلبی و آزیست در مناطق مرطوب با توجه به وضعیت اقتصادی • بلندکردن کف ساختمان از زمین برای جلوگیری از انتقال رطوبت زمین از طریق سنگ چینی پی ساختمان • استفاده از سنگ، گل و خشت و گاهی در ترکیب با چوب برای عایق‌کاری مناسب • قراردادن کف ساختمان بر روی پایه‌های سنگی یا کرسی چینی پی ساختمان برای جلوگیری از نفوذ رطوبت زمین به ساختمان و عبور جریان هوا در مناطق مرطوب
عوامل طبیعی	<ul style="list-style-type: none"> • استفاده از مصالح ساختمانی مناسب با رنگ‌های ملایم • استقرار واحدهای مسکونی در جهت کشیدگی غرب شرق باشد از باب بهره‌مندی از باد مناسب شمال و آفتاب گرفتگی جنوب. • انقباض بافت کالبدی با کوچک شدن فضاهای سکونتی جهت جلوگیری از پرت حرارتی در مناطق کوهستانی • ساخت ساختمان‌های دو طبقه با استقرار فضاهای زیستی خانواده در طبقه بالا و فضاهای زیست دام و انبار محصولات کشاورزی در طبقه زیر، با هدف جذب گرمای تولید شده در آغل
	<ul style="list-style-type: none"> • استقرار واحدهای مسکونی در جهت شیب زمین • حذف یا کوچک‌شدن حیاط در واحدهای مسکونی ساخته شده بر روی شیب • ساخت واحدهای مسکونی دو طبقه در زمینهای شیب‌دار • کاهش مساحت قطعات تفکیکی واحدهای مسکونی در زمینهای شیب دار • ایجاد فضاهای دامی و یا انبار در طبقه زیرین به دلیل وجود شیب زیاد در اراضی غیرمسطح
دریا	<ul style="list-style-type: none"> • قرارگیری واحدهای مسکونی حاشیه ساحل رو به سوی دریا
مذهب	<ul style="list-style-type: none"> • جهت‌گیری واحدهای مسکونی به سمت قبله
حفظ محرمیت	<ul style="list-style-type: none"> • احداث دیوارهای بلند و ایجاد هشتی در مسیر ورودی به منزل برای ایجاد حریم خصوصی
الگوی خانواده	<ul style="list-style-type: none"> • افزایش تعداد افراد ساکن در واحد مسکونی به دلیل رواج الگوی خانواده گسترده
سنت سکونت	<ul style="list-style-type: none"> • پیروی از الگوها و طرح‌های سنتی و قدیمی در ساخت واحدهای مسکونی جدید به صورت منطبق شده با اصول طراحی و مقتضیات منطقه • پراکندگی واحدهای مسکونی به دلیل ساخت و ساز در زمینهای موروثی مربوط به خود که حدالامکان به صورت یکپارچه جایگزینی شوند.

منبع: نگارنده

نتیجه‌گیری:

نگرش و فرهنگ مردم هر منطقه گاه مرتبط با مذهب آن مردم به صورت تاثیر پذیری جهت مقدس در معماری، نسبت چگونگی قرارگیری مسکن با اماکن مذهبی، کاربرد اشکال و فرم‌های مذهبی در معماری مسکن، حفظ و نحوه عرصه-بندی خانه و بعضی رسوم مذهبیست که بر طرح مسکن روستایی موثر است کما اینکه در نتایج به دست آمده این تفکرات تاثیرات بسیار عمیقی بر نحوه ساخت و ساز این روستا گذاشته است. به منظور رسیدن به سطح مناسب طراحی در روستاها، دهیاری‌ها و شوراها می‌بایست در جایی که سازمان‌های مربوطه در راستای توسعه روستاها برنامه‌ای را تدوین می‌کنند، به عنوان نماینده این سازمان‌ها عمل نمایند. سازمان‌ها و نهادهای ذیربط ابزار و وسایل تامین اهداف جامعه روستایی هستند و باعث ایجاد انگیزه به مردم روستاها در جهت جلب مشارکت آنان می‌شوند. مسائل اجتماعی موثر در طرح مسکن روستایی شامل امنیت به معنای استحکام در برابر عوامل طبیعی، امنیت روحی و تعریف حرایم متناسب با شرایط اجتماعی هر منطقه، امنیت اموال و دارایی‌ها در برابر عوامل مزاحم اجتماعی است که با بررسی آنان و موارد مورد مطالعه دیگر در این مقاله این نکته اثبات می‌شود که با رعایت نکات ایمنی این موارد و با آگاهی دادن به ساکنین و ارتقای سطح دانش فردی و در نهایت سطح فرهنگی روستائینان می‌توان به نتایج مطلوبی دست یافت.

منابع فارسی:

۱. دلال پورمحمدی، محمد رضا، (۱۳۷۹)، برنامه ریزی مسکن، انتشارات سمت، تهران.
۲. سرتیپی پور، محسن. (۱۳۸۴) شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، صص ۴۳-۵۱.
۳. سرشماری نفوس و مسکن، (۱۳۸۵)
۴. مخبر، عباس. (۱۳۶۳)، ابعاد اجتماعی مسکن، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۵. برزگر، زهرا و سیدمجید مفیدی شمیرانی؛ (۱۳۸۹) «چگونگی بهره‌گیری از توده زمین در معماری بومی جهان»، مجله باغ نظر، شماره ۱۵، تهران، ۱۳ - ۲۶.
۶. پورمختار، احمد؛ (۱۳۹۰) «بازشناسی مفهوم پایداری و توسعه پایدار در معماری و شهرسازی ایرانی»، آبادی، تهران، ۱۲ - ۱۹.
۷. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و همکاران؛ (۱۳۹۱) «بررسی میزان انطباق ساخت و سازهای جدید در نواحی روستایی»، فص نامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۹، تهران، ۸۵، ۹۸.
۸. پیرنیا، محمدکریم؛ ۱۳۸۲، (سبک شناسی معماری ایرانی)، تهران: نشر پژوهنده و نشر معمار.
۹. نوحی، حمید؛ (۱۳۸۴)، تأملات در هنر و معماری، تهران: آگاه.
۱۰. آهنگر دارابی، جعفر؛ (۱۳۹۵)، دارابکلا در گذر زمان، ساری.
۱۱. سایت آزاد ویکی پدیا
۱۲. سایت تخصصی دارابکلا
۱۳. قره‌نژاد، حسن؛ (1381)، طبیعت و معماری، اصفهان: گل‌های محمدی.
۱۴. هاشم‌نژاد، هاشم و صلاح‌الدین مولانایی؛ (۱۳۸۷) «معماری با نگاهی به آسمان»، نشریه هنرهای زیبا، شماره 36، تهران، 26 - 17.
۱۵. نصر، سیدحسین؛ (1385)، معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: سپهروردی.
۱۶. پاپلی یزدی، محمد حسین؛ و ثوقی، فاطمه (۱۳۷۶)، مسکن روستائی: فرهنگ و توسعه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی
۱۷. منابع انگلیسی:

18. Abeyundara, U.G.Y, et al,(2009), «A Matrix in life cycle perspective for selecting
19. sustainable material for building in Srilanka», building and environment, 44, p 1004-997
20. M. Frutos, I. (1999), «Human Organization Rural Areas in; Rural planning from an
21. Environmental Systems Perspective», F.b. Golley & J. Bellot .
22. Knapp, E., (1982), Housing Problems in the Third World: Theoretical Terms of Reference, Methodology, and Four Case Studies in Bogota, Jakarta, Nairobi and Kasama, University of Stuttgart .
23. Taylor, j., (2002), Sustainable Development a Dubious Solution in Search of a Problem, Policy analysis, No. 449.
24. Bar, Y. O. (1998), «The Natufian Culture in the Levant». Threshold to the Origins of
25. Agriculture. Evolutionary Anthropology.